

تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد-فرزند با همایندی گرایش به تفکر انتقادی

فریبا فرازی^۱، معصومه اسمعیلی^۲، حسین اسکندری^۳، محمد حاتمی^۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۳ پذیرش نهایی: ۹۶/۲/۱۹

چکیده

والدین و فرزندان در دوران نوجوانی روابط تازه‌ای با یکدیگر برقرار می‌کنند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد-فرزند با همایندی گرایش به تفکر انتقادی بود. روش پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود و جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر کلاس دوازدهم هنرستان‌های شهر بیرجند در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بودند. گروه نمونه با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و انتخاب تصادفی یک هنرستان از سطح شهر بیرجند و انتخاب تصادفی دو رشته تحصیلی و با در نظر گرفتن کلاس به عنوان واحد نمونه‌گیری، انتخاب شده و در نهایت به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی و گواه جایگزین شدند. از پرسشنامه‌های رابطه والد-فرزند فاین، مورلند و سئوبل (۱۹۸۳) و گرایش به تفکر انتقادی ریکتس (۲۰۰۳) برای سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شد. داده‌های بدست آمده با آزمون کواریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد آموزش الگوی تعلیمی موجب بهبود روابط والد-فرزند می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که بهبود روابطی که نتیجه آموزش الگوی تعلیمی بود توانست گرایش به تفکر انتقادی فرزندان را در بعد خلاقیت و تعهد افزایش دهد. با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت با بهبود روابط والد-فرزند در اثر آموزش الگوی تعلیمی گرایش به تفکر انتقادی در فرزندان نیز افزایش پیدا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: الگوی تعلیمی، روابط والد - فرزند، گرایش به تفکر انتقادی

^۱ دانشجوی دوره دکتری رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران: farazi.edupsy@gmail.com

^۲ دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): masesmaeily@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، sknd40@gmail.com

^۴ دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران hatami513@gmail.com

مقدمه

خانواده یک جایگاه مرکزی در زندگی افراد و همچنین پایدارترین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی بشریت را به خود اختصاص داده است. انسان‌های پیشین (اجداد) قبل از اینکه بتوانند صحبت کنند و قبل از اینکه گروه‌های اجتماعی دیگر و نهادهایی مانند جوامع، انجمن‌ها یا کشورهای را شکل بدهند، به خانواده‌هایشان تعلق داشته و با آنها شناخته می‌شدند. حتی امروزه، در درجه اول در خانواده‌هایی که کودکان اجتماعی هستند، جوان و پیر بدنبال حمایت اجتماعی، هیجانی و سودمند هستند، بنابراین کیفیت روابط خانواده تأثیر عمیقی روی کیفیت زندگی اکثر مردم دارد و چگونگی عملکرد خانواده‌ها تحت تأثیر عملکرد بسیار خوب جوامع قرار دارد. (کرنر و اسکرودت^۱، ۲۰۱۴). همین ارتباط موتور روابط اجتماعی و یک ضرورت برای همه روابط است و هنگامی که با تعامل والد-فرزند می‌آید نقش حیاتی ایفا می‌کند و آن ایجاد و حفظ روابط بین والدین و فرزندان است که باعث تعامل قوی بین والدین و کودک می‌شود و به طور قابل توجهی به درک و پذیرش متقابل بین والدین و فرزند کمک می‌کند (پاپو و ایلسانمی^۲، ۲۰۱۵). همچنانکه، مک‌آدامز، ریچسیدیک، ناروسیت، گانیبان، ریس، اسپوتز، نیدرهیسر، لیخن‌اشتاین و الی^۳ (۲۰۱۶)، با انجام پژوهشی با عنوان «ارتباط بین رابطه والد-فرزند و خودارزشی نوجوانان» به این نتیجه دست یافتند که صمیمیت والد-فرزند و محبت ابرازشده والدین بطور فزاینده‌ای با خودارزشی نوجوان رابطه داشتند. این ارتباط نمی‌تواند به ارتباط ژنتیکی والد-فرزند نسبت داده شود.

از آنجایی که روابط والد-فرزند نشان‌دهنده ابتدایی‌ترین و اصیل‌ترین روابط اجتماعی انسان در گستره زندگی است؛ از این رو، کیفیت روابط والد-فرزند به عنوان مهمترین عامل مؤثر شایستگی، شکوفایی و بهزیستی همه افراد مورد بحث قرار گرفته است (واحد مستقل علوم رفتاری پایه، انجمن سلامت روانی مشاوره ملی، ۱۹۹۶؛ نقل در خسروی، ۱۳۸۲). رابطه فرزند و والدین همچنان که این دو با یکدیگر کنش متقابل دارند، رشد می‌کند. رفتار فرزندان هم مانند رفتار و نگرش‌های والدین به این کنش متقابل کمک می‌کند. می‌توان گفت در دوره‌های مختلف تأثیری که فرزندان می‌توانند بر روابط والد-فرزند بگذارند متفاوت است. یکی از این دوره‌های مهم دوره نوجوانی است. در این دوره، از دیدگاه شناخت‌گرایان نوجوان به واسطه ظرفیت‌های شناختی جدید (اینهلدر و پیازه^۴، ۱۹۵۸؛ نقل در علیزاده، ۱۳۸۰)، به تدریج این توانایی را می‌یابد که در مورد زندگی، ارزش‌ها و آینده فکر کند. نوجوانان درصددند والدین آرمانی خود را بیابند و از این رو

¹ Koerner & Schrodtt

² Popov & Ilesanmi

³ McAdams, Rijdsdijk, Narusyte, Ganiban, Reiss, Spotts, Neiderhiser, Lichtenstein & Eley

⁴ Inhelder & Piaget

انتقادکردن را آغاز می‌کنند. از این رو، مسأله اساسی در دوره نوجوانی سازماندهی مجدد رابطه والد-فرزند است (بیابانگرد، ۱۳۸۶؛ نقل در سخاوت و عطاری، ۱۳۸۹).

تفکر انتقادی^۱ هم که نوعی تفکر انتزاعی است، در این سن شکوفا می‌شود. نوجوان از دوران کودکی با حجم وسیعی از اطلاعات و آگاهی‌هایی که از محیط دریافت می‌کند مواجه است و اکنون در این دوره باید انتخاب کند که کدام یک از این ورودی‌ها را بپذیرد و درونی کند و همچنین ممکن است سؤال‌های تازه‌ای برایش بوجود آید که نیازمند کسب آگاهی‌های جدید برای پاسخگویی به آنها باشد (استیون‌دی و زاهدی، ۱۳۸۴). تفکر انتقادی یک روش علمی موجه برای تصمیم‌گیری، تجزیه و تحلیل و حل مشکل است و می‌توان آن را به صورت یک فرآیند سیستماتیک و سازمان‌یافته برای توضیح مشکل، ارزیابی منابع و راه‌حل‌های گوناگون برای حل کردن مشکل تعریف کرد (الپرآی، کاراکایا و ایلماز^۲، ۲۰۱۵). ریچارد پل^۳ (۱۹۹۲؛ نقل در سویارنراسمی، سوانتاچوت و داچکات^۴، ۲۰۱۵) نیز، تفکر انتقادی را اینگونه تعریف می‌کند: هنر اندیشیدن درباره تفکرتان، وقتی که شما می‌اندیشید تا تفکر خود را بهتر کنید؛ یعنی آن را روشن‌تر، درست‌تر و قابل توجیه‌تر بیان کنید.

از طرفی دیگر، تفکر انتقادی به عنوان مهارت قضاوت فکورانه درباره درستی یا نادرستی اندیشه‌ها و اعتقادات در رشد عقلانی افراد و ارتقای کارایی آنها در همه جنبه‌های زندگی اهمیت اساسی دارد (فاسیونه^۵، ۲۰۱۱). این مهارت زمانی به کار گرفته می‌شود که فرد به استفاده از این نوع تفکر گرایش داشته باشد (انجمن فلسفی آمریکا، ۱۹۹۰). گرایش به تفکر انتقادی انگیزشی درونی و تمایلی عادت‌گونه است که فرد را به استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی خود برمی‌انگیزد و بدون آن فرد تمایلی به کاربرد مهارت‌های تفکر انتقادی خویش ندارد (انجمن فلسفی آمریکا، ۱۹۹۰؛ فاسیونه، ۲۰۱۱). به عقیده ریکتس و رود^۶ (۲۰۰۴)، گرایش به تفکر انتقادی شامل سه بعد خلاقیت، بالیدگی و تعهد است. خلاقیت تمایل فرد برای شناسایی مشکلات با آگاهی از تمایلات و تعصبات خود و دیگران است؛ بالیدگی میل فرد به جستجوی فرصت‌ها برای استفاده منطقی و اطمینان به توانایی استدلال و پیش‌بینی موقعیت‌هایی که نیازمند منطق هستند. تعهد یعنی تمایل فرد به خواسته‌های منطقی و میل به درک حقیقت. این گرایش‌ها فرد را به استفاده عملی از مهارت‌های تفکر انتقادی خود برمی‌انگیزند و بدون آنها فرد تمایلی به کاربرد مهارت‌های تفکر انتقادی خود ندارد. به همین دلیل، در راستای کمک

¹ critical thinking

² AlperAy, Karakaya & Ylmaz

³ Richard Paul

⁴ Sriarunasmee, Suwannatthachote & Dachakupt

⁵ Facione

⁶ Ricketts & Rudd

به بهبود کیفیت تفکر انتقادی دانشجویان، پرورشکاران باید هم به مهارت‌های این نوع تفکر و هم به گرایش‌های مرتبط با آن توجه نشان دهند و عوامل مؤثر بر رشد آنها را بشناسند. با وجود این تحقیقات مربوط به تفکر انتقادی به طور عمده بر مهارت‌های آن متمرکز بوده‌اند و علی‌رغم اهمیت گرایش‌های تفکر انتقادی، تنها در سال‌های اخیر تمرکز خود را از مهارت‌ها به گرایش‌ها معطوف کرده‌اند. به همین دلیل، از نظر تحقیقاتی به بررسی عوامل مؤثر بر گرایش‌های تفکر انتقادی توجه چندانی نشده است. از این رو، تحقیق حاضر به بررسی بعضی از عوامل مؤثر بر رشد گرایش‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان پرداخته است.

در همین رابطه، کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان» انجام دادند. نتایج تحلیل مسیر از اثر واسطه‌ای ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان به ویژه ابعاد خانواده حمایت کرد. این الگو که ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان در رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان اثر واسطه‌ای دارد، در مورد هر گرایش متفاوت بود. همچنین، باباخانی و ممی‌پور (۱۳۹۱)، در مطالعه خود با عنوان «رابطه هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی در بین دانشجویان» نشان دادند که یک همبستگی و رابطه قوی بین این دو متغیر هوش هیجانی و ادراک تعاملات اجتماعی و بین تفکر انتقادی و ادراک تعاملات اجتماعی وجود دارد. همچنین تحلیل یافته‌ها نشان داد بین هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

از طرف دیگر، در دوره نوجوانی به واسطه تغییرات شناختی و رشد استقلال طلبی و خودمختاری می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد تعارض بین نوجوان و والدین ایجاد کند. از همین رو، کانون خانواده‌ای که بر اثر تعارض و جدال بین اعضای آن آشفته است محیط امن روانی و روحی که در خانواده باید وجود داشته باشد را از اعضای آن می‌گیرد و باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای اعضای آن می‌گردد. تعارض به وجود آمده در بین اعضای خانواده اگر به طریق درستی با آن برخورد شود به رشد رابطه کمک می‌کند در غیر این صورت نه تنها رفع نخواهد شد بلکه، به تداوم رابطه آسیب می‌رساند (مرادی و ثنایی، ۱۳۸۵). از آنجا که برقراری و حفظ ارتباط امر بسیار مهمی است راه‌های بهتری برای ارتباط با فرزندان و حل مشکلات وجود دارد، به طوری که بتوان زیر یک سقف زندگی کرد، لذا معرفی الگوی تعلیمی به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده و سازمان شده جهت بهبود کیفیت رابطه والد-نوجوان ضرورت می‌یابد.

الگوی تعلیمی مجموعه‌ای از تلاش‌ها و اقدامات اصولی است که شامل روش‌ها و تکنیک‌هایی برای تغییر رفتار و شخصیت به منظور رسیدن به رشد بهینه می‌باشد (حمبلی و گیپایانا^۱، ۲۰۱۶). الگوی تعلیمی یا همان روانی آموزشی از دو واژه روان و آموزش تشکیل شده است. روان اشاره دارد به طیف گسترده‌ای از ایده‌ها و نظریات روانشناختی که بر دیدگاه‌ها، تمرینات و برنامه‌های متنوع روانی آموزشی مبتنی هست. در حالی که، آموزش اشاره دارد به پارادایم‌های آموزشی و یادگیری که از محتوا و تمرینات برنامه‌های روانی آموزشی تشکیل شده است. (وود، برندترو، فیسر و نیکولز^۲، ۱۹۹۹؛ نقل در آنیامن، نوکولو و مادگبونا^۳، ۲۰۱۵). مشاوره‌ای که بر طبق این الگو صورت می‌گیرد هم در محیط بالینی و هم در مدرسه انجام می‌شود. فرض اساسی برنامه‌های روانی آموزشی این است که مهارت‌های زندگی می‌توانند آموخته شوند و از طریق آنها افراد می‌توانند راه‌های مواجهه با مشکلات را یاد بگیرند. افراد از طریق مداخلات روانی-آموزشی مهارت‌های کاربردی برای زندگی خود یاد می‌گیرند که این مهارت‌ها می‌توانند تغییرات پایداری در آنها ایجاد کنند (براون^۴، ۲۰۰۴؛ نقل در اصلانی، ۱۳۹۱).

در الگوی تعلیمی از تکنیک‌های وسیعی که از دیدگاه‌های نظری گرفته شده است تحت عنوان مداخلات روانی آموزشی استفاده می‌شود. به عنوان مثال: به مراجعین می‌توان تکنیک «تمرکز» برای توسعه آگاهی هیجانی را آموزش داد (گنلین^۵، ۱۹۷۸)، یا آنها می‌توانند «مهارت‌های ارتباطی» را برای بهبود رابطه با والدین‌شان را یاد بگیرند (گوردون^۶، ۱۹۷۶ و پترسون^۷، ۱۹۷۷)، یا آنها می‌توانند تکنیک «بازسازی شناخت» برای ساخت عزت نفس و بهبود نگرش مثبت در زندگی را یاد بگیرند (برنز^۸، ۱۹۸۰ و لوسونسی^۹، ۱۹۸۲). شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد الگوی تعلیمی یا روش روانی آموزشی در موارد مربوط به اختلالات خوردن، اصلاح ادراکات نوجوان نسبت به والدین و افشای سوءاستفاده جنسی موثر بوده است (آنیامن، نوکولو و مادگبانا، ۲۰۱۵). همانطور که گفته شد، پیرو نظر گوردون (۱۹۷۶) و پترسون (۱۹۷۷)، از تکنیک آموزش «مهارت‌های ارتباطی» برای بهبود رابطه نوجوانان با والدین‌شان استفاده می‌شود. مهارت‌های ارتباطی به منزله آن دسته از مهارت‌هایی هستند که به واسطه آنها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فردی و فرآیند ارتباط شوند: یعنی فرآیندی که افراد در طی آن اطلاعات، افکار و احساس‌های خود را از طریق پیام‌های کلامی و

¹ Hambali & Gipayana

² Wood, Brendtro, Fecser & Nichols

³ Anyamene, Nwokolo & Madegbuna

⁴ Brown

⁵ Gendlin

⁶ Gordon

⁷ Patterson

⁸ Burns

⁹ Losoncy

غیرکلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند (بروکس و هیث، ۱۹۹۳؛ نقل در هاریجه و دیکسون^۱، ۲۰۰۴). این مهارت‌ها مشتمل بر مهارت‌های فرعی یا خرده مهارت‌های مربوط به «درک پیام‌های کلامی و غیرکلامی»، «نظم‌دهی به هیجان‌ها»، «گوش‌دادن»، «بینش نسبت به فرآیند ارتباط» و «قاطعیت در ارتباط» است که اساس مهارت‌های ارتباطی را تشکیل می‌دهند (یوسفی، ۱۳۸۵). همانطور که نتایج پژوهش زاده هفت تنانیا، آرین و کرمی (۱۳۸۶) نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی گوردن به دو گروه مادران و فرزندان موجب ارتقاء روابط فرزندان با والدین می‌گردد. با توجه به مطالب فوق و اهمیت ارتباط رابطه والد-فرزند در دوره نوجوانی و مهارت‌های تفکر برای دانش‌آموزان در دنیای کنونی (دام و ولومن^۲، ۲۰۰۴ و مانگنا و چابلی^۳، ۲۰۰۵) هدف از پژوهش حاضر تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد - فرزند با همبستگی گرایش به تفکر انتقادی بود.

روش

این پژوهش یک تحقیق نیمه آزمایشی از نوع «پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل» می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانش‌آموزان دختر کلاس سوم (دوازدهم) هنرستان‌های شهر بیرجند در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به این ترتیب که ابتدا از بین هنرستان‌های دخترانه یک مدرسه انتخاب و در مرحله بعد از بین رشته‌های تحصیلی موجود، دو رشته تحصیلی صنایع غذایی و طراحی دوخت که در طول هفته ساعت آزاد داشتند، انتخاب شدند و در نهایت با در نظر گرفتن کلاس به عنوان واحد نمونه‌گیری بصورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر کدام ۱۵ نفر) جایگزین شدند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه فاین، مورلند و سئویل (۱۹۸۳) و پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی ریکتس^۴ (۲۰۰۳) بود که در ادامه شرح داده شده است.

پرسشنامه سنجش رابطه والد-فرزند: در پژوهش حاضر برای سنجش رابطه والد-فرزند از پرسشنامه فاین، مورلند و سئویل (۱۹۸۳؛ نقل در جوادی، امامی‌پور و رضایی کاشی، ۱۳۸۸)، استفاده خواهد شد. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال است و برای سنجیدن نظر نوجوانان درباره رابطه آنان با والدین‌شان به کار می‌رود. «مقیاس رابطه ولی-فرزندی» دو صورت دارد، یکی برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و یکی هم برای سنجیدن رابطه فرزند با پدر. هر دو صورت آن یکسان است تنها کلمه پدر و مادر در آن عوض شده است. نمره کل عبارت از جمع میانگین‌های خرده مقیاس‌ها است. مقیاس مذکور با ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و

¹ Harigie & Dickson

² Dam & Voloman

³ Mangena & Chabeli

⁴ Ricketts

ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ از هماهنگی درونی سؤالات برخوردار است. روایی مقیاس رابطه والد-فرزندی از گروه‌های شناخته شده و روایی پیش‌بین خوب بهره‌مند است و فرزندان خانواده‌های طلاق و یکپارچه را بطور معناداری از هم متمایز می‌کند (ثنایی، علاقبند و هومن، ۱۳۷۹). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۵۰ تا ۰/۸۹ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۲ و ضرایب آلفای ۰/۶۶ تا ۰/۸۲ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ بدست آمد. همچنین، سؤال نامناسب ۱۳ از مؤلفه همانندسازی از طریق آلفای کرونباخ حذف شد.

پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی (ریکتس، ۲۰۰۳): این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است که میزان تمایل به تفکر نقادانه را در سه مقیاس خلاقیت (۱، ۵، ۷، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸ و ۲۹)، بالیدگی (۲، ۱۲، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۳۰، ۳۱، ۳۲ و ۳۳) و تعهد (۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۷) می‌سنجد. این مقیاس پس از آنکه مورد، رود و پنفیلد (۲۰۰۳) به نتایج متفاوت و مهمی درباره پرسشنامه گرتیش به تفکر نقادانه کالیفرنیا (CCTDI) دست یافتند، طراحی شد. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از شدیداً مخالفم = ۱ تا شدیداً موافقم = ۵) میزان مخالفت یا موافقت خود با هر یک از عبارات را مشخص کند. در عبارات: ۲، ۱۲، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۳۰، ۳۲ و ۳۳ نمره‌گذاری به صورت معکوس (از شدیداً مخالفم = ۵ تا کاملاً موافقم = ۱) انجام می‌شود. برای بدست آوردن نمره هر زیر مقیاس باید نمره عبارات مربوط به زیر مقیاس مورد نظر را با هم جمع کرده و بر تعداد عبارات تقسیم می‌کنیم. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش بهزادی و سروقد (۱۳۹۱)، برای زیر مقیاس‌های خلاقیت، بالیدگی و تعهد به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۵۴ و ۰/۷۱ بدست آمد. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای خرده مقیاس‌های خلاقیت، بالیدگی، تعهد به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۴۳، ۰/۹۱ بدست آمد.

پس از انتخاب گروه نمونه و مشخص شدن گروه‌های آزمایشی و گواه، ابتدا در مرحله پیش آزمون پرسشنامه‌های رابطه والد-فرزند و تفکر در هر دو گروه آزمایشی و گواه اجرا شد. سپس گروه آزمایش تحت آموزش الگوی مشاوره‌ای تعلیمی قرار گرفت. جلسات آموزشی بصورت چهار جلسه در هفته بصورت پشت سر هم و سپس هر سه هفته یک بار بود بطوری که تقریباً سه ماه به طول انجامید (۸ جلسه). بعد از اتمام آموزش و گذشت سه ماه پس آزمون در هر دو گروه اجرا شد و در نهایت نتایج بدست آمده در مرحله پیش آزمون و پس آزمون تجزیه و تحلیل شد. پروتکل آموزش الگوی تعلیمی بر مبنای برنامه روانی آموزشی گوردون (۱۹۷۶) و پترسون (۱۹۷۷) طراحی شد که خلاصه محتویات جلسه‌های آموزش در زیر آمده است.

جدول ۱: محتوای دوره آموزشی الگوی تعلیمی

جلسات	نام فعالیت	هدف
۱	ایجاد ارتباط	انجام پیش‌آزمون و سپس معارفه و آشنایی اعضای گروه با پژوهشگر و با یکدیگر و بیان اهداف و ضرورت یادگیری مهارت‌های ارتباطی و ایجاد انگیزه برای یادگیری مهارت‌ها و شرح روش کار جلسات بعدی و روش‌های تدریس. در جلسه معارفه به سوالات دانش‌آموزان و کنجکاوی‌های آنها در زمینه کارپژوهشی و علت انتخاب شدن آنها پاسخ‌های لازم ارائه شده و در پایان جلسه از حضور آنها در کلاس‌ها قدردانی شده واز دانش‌آموزان خواسته شده در ساعات مقرر در کلاس حضور یابند.
۲	تبیین مفهوم مهارت-های ارتباطی، پل‌ها و موانع	آشنایی با مفهوم و گستره ارتباط، تشریح عوامل بازدارنده و تقویت کننده ارتباط، پل‌ها و موانع ارتباطی. در ابتدای جلسه تعریفی از مفهوم ارتباط ارائه می‌شود. در این مرحله از روش بارش فکری استفاده می‌شود به این معنی که از دانش‌آموزان سوالاتی نظیر: ارتباط چیست؟ پرسیده می‌شود و در ادامه جلسه دوم در مورد عوامل بازدارنده و تقویت کننده ارتباط صحبت می‌کنیم و در هر مورد تکلیف داده می‌شود.
۳	معرفی عناصر چهارگانه ارتباط و ارتباط کلامی و غیر کلامی	شناخت اجزای تشکیل‌دهنده ارتباط، شناخت عناصر چهارگانه ارتباطی. زبان غیر کلامی و تفسیر آن، خصوصیات فیزیکی و عوامل محیطی در ارتباط غیر کلامی. با ترتیب دادن سناریویی از طریق ایفای نمایش ازدانش‌آموزان می‌خواهیم که عناصر چهارگانه ارتباطی یعنی گیرنده، فرستنده، پیام و عکس‌العمل را مشخص کنند. در ادامه توضیحاتی در مورد عناصر ارتباطی داده می‌شود. پیام‌های ما گاهی به روشهای کلامی و گاهی غیر کلامی بیان می‌شوند.
۴	شیوه‌های برقراری ارتباط	شیوه‌های برقراری ارتباط، مزایا و معایب هر کدام استفاده از روش بارش فکری و طرح سوالاتی نظیر: ما در ارتباطات خود از چه شیوه و روش‌هایی برای بیان و تامین خواسته‌ها، نیازها و احساسات استفاده می‌کنیم. آیا به خودمان حق می‌دهیم که نیازها و خواسته‌های خود را بیان کنیم؟ در مورد سه شیوه ارتباطی (۱) انفعالی رفتار کردن (۲) رفتار پرخاشگرانه و (۳) رفتار قاطعانه توضیحاتی بیان شد و دانش‌آموزان در گروه‌های دو نفره هر کدام از شیوه‌ها را به نمایش گذاشتند.
۵	آشنایی با روش‌های گوش دادن فعال	آشنایی با انواع گوش کردن، موانع گوش کردن، تسلط بر مهارت‌های گوش کردن در حین رابطه
۶	شناخت احساسات خود و دیگران و توانایی برای دادن پاسخ همدلانه	آشنایی با مفهوم احساسات، کاربرد احساسات در روابط بین‌فردی اول با تأکید بر متفاوت بودن احساسات (خوشایند و ناخوشایند)، دوم با تأکید بر احساسات گوناگون در موقعیتهای مختلف، انواع احساسات و کاربردهای آن و سوم با تأکید بر متفاوت بودن شدت هیجانها و احساسات در موقعیتهای متفاوت
۷	ابراز وجود	آشنایی با انواع ابراز وجود، مراحل ششگانه ابراز وجود و شیوه‌های بیان نظر خود، فواید و کارکردهای آن، قاطعیت در رفتار به همراه انعطاف‌پذیری
۸	جمع بندی	جمع بندی مطالب گذشته و ایجاد انگیزه در اعضا برای استفاده از مهارت‌های آموخته‌شده در موقعیت‌های واقعی زندگی و در نهایت انجام پس‌آزمون.

یافته‌ها

در این تحقیق برای بررسی تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد - فرزند با همبستگی گرایش به تفکر انتقادی از تحلیل کواریانس چندمتغیره (مانکوا) استفاده شده است. شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه‌ها

متغیر	خرده مقیاس‌ها	گروه‌ها	پیش آزمون			پس آزمون		
			تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
رابطه پدر-فرزند	عاطفه مثبت	گروه آزمایش	۱۵	۳	۰/۶۲	۱۵	۴/۹۶	۱/۶۵
		گروه کنترل	۱۵	۸۴/۳	۵۹/۰	۱۵	۳/۸۹	۰/۶۰
	آمیزش پدرانه	گروه آزمایش	۱۵	۲/۹۲	۱/۱۱	۱۵	۵/۲۸	۱/۸۱
		گروه کنترل	۱۵	۳/۲۳	۰/۶۳	۱۵	۳/۳۱	۰/۸۱
	ارتباط/گفت و شنود	گروه آزمایش	۱۵	۲/۹۹	۰/۴۸	۱۵	۴/۳۷	۱/۴۹
		گروه کنترل	۱۵	۳/۰۷	۰/۴۵	۱۵	۳/۲۸	۰/۶۱
	خشم	گروه آزمایش	۱۵	۴/۲۰	۱/۸۱	۱۵	۱/۶۳	۱/۱۱
رابطه مادر-فرزند		گروه کنترل	۱۵	۴/۴۰	۱/۰۶	۱۵	۴/۴۳	۱/۱
	عاطفه مثبت	گروه آزمایش	۱۵	۳/۰۸	۰/۴۹	۱۵	۴/۸۲	۰/۵۸
		گروه کنترل	۱۵	۳/۷۱	۰/۵۲	۱۵	۳/۷۰	۰/۵۱
	آزردگی/سردرگمی	گروه آزمایش	۱۵	۵/۰۷	۰/۳۷	۱۵	۱/۲۷	۰/۴۶
	نقش همانندسازی	گروه کنترل	۱۵	۴/۸	۱/۰۹	۱۵	۳/۹۳	۰/۸۴
		گروه آزمایش	۱۵	۳/۸۷	۱/۲۵	۱۵	۵/۷	۰/۶۸
		گروه کنترل	۱۵	۴	۱/۰۲	۱۵	۴/۱	۰/۹۱
تفکر انتقادی	ارتباط/گفت و شنود	گروه آزمایش	۱۵	۲/۸۳	۰/۵۶	۱۵	۵/۴۲	۰/۹۷
		گروه کنترل	۱۵	۳/۷۱	۰/۶۸	۱۵	۳/۹۰	۰/۷۶
	خلاقیت	گروه آزمایش	۱۵	۲/۸۲	۰/۳۸	۱۵	۴/۱۶	۰/۶۲
		گروه کنترل	۱۵	۲/۸۷	۰/۳۷	۱۵	۲/۸۷	۰/۳۷
	بالیدگی	گروه آزمایش	۱۵	۲/۹۸	۰/۳۱	۱۵	۳/۳۲	۰/۶۱
		گروه کنترل	۱۵	۲/۹۳	۰/۴۳	۱۵	۲/۹۳	۰/۴۳
	تعهد	گروه آزمایش	۱۵	۲/۸۳	۰/۴۲	۱۵	۳/۹۹	۰/۶۸
	گروه کنترل	۱۵	۲/۶۵	۰/۴۴	۱۵	۲/۶۵	۰/۴۴	

همانطور که ملاحظه می‌شود، مطابق با جدول فوق در تمامی زیر مقیاس‌های روابط والد فرزند (به جز خشم و آزردگی/سردرگمی نقش) میانگین در گروه آزمایش در مرحله پس آزمون نسبت به پیش آزمون افزایش نشان می‌دهد. همچنین میانگین نمرات زیر مقیاس‌های تفکر انتقادی در پس آزمون نسبت به پیش آزمون افزایش پیدا

کرده است. در مرحله بعد، به منظور انجام تحلیل کواریانس چند متغیره ابتدا از آزمون شاپیرو ویلک به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها و آزمون لون به منظور بررسی همگنی واریانس‌های دو گروه آزمایش و کنترل استفاده شد. جدول ۳ توزیع نرمال داده‌ها و همگنی واریانس‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون شاپیرو ویلک جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها و آزمون لون در دو گروه آزمایش و کنترل					
متغیرها		خرده مقیاس‌ها		آزمون شاپیرو-ویلک	
		آزمون لون			
		sig	F	Statistic	sig
		آماره		کنترل	
		sig	F	Statistic	sig
رابطه پدر -	عاطفه مثبت	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۱۹
فرزند	آمیزش پدرانه	۰/۹۱	۰/۱۲	۰/۹۴	۰/۳۵
	ارتباط/گفت و شنود	۰/۹۶	۰/۶۴	۰/۹۶	۰/۶۲
	خشم	۰/۹۶	۰/۷۳	۰/۹۶	۰/۶۹
رابطه مادر -	عاطفه مثبت	۰/۸۹	۰/۰۷	۰/۹۴	۰/۲۲
فرزند	آزردگی/سردرگمی نقش	۰/۸۹	۰/۰۹	۰/۹۰	۰/۱۰
	هماندسازی	۰/۹۱	۰/۱۳	۰/۹۱	۰/۱۲
	ارتباط/گفت و شنود	۰/۹۳	۰/۲۶	۰/۹۶	۰/۷۳
تفکر انتقادی	خلاقیت	۰/۹۵	۰/۵۶	۰/۹۷	۰/۸۹
	بالیدگی	۰/۹۲	۰/۲۲	۰/۹۸	۰/۹۸
	تعهد	۰/۹۵	۰/۴۵	۰/۹۲	۰/۱۶

مطابق با جدول فوق، نتایج نشان داد که متغیرهای شرکت کننده در پژوهش دارای توزیع نرمال بودند ($P>0/05$). همچنین، نتایج جدول ۳ نشان داد که دو گروه آزمایش و گواه از نظر واریانس تفاوت معنادار ندارند. همچنین، نتایج آزمون M باکس نیز نشان داد که ماتریس‌های کواریانس مشاهده شده متغیرهای وابسته در بین گروه‌های مورد مقایسه یکسان می‌باشد و مفروضه برقرار است ($BOX'S M=59/47, F= 1/14, SIG=0/27$). بنابراین این پیش فرض جهت آزمون کواریانس چند متغیره رعایت شده است. جدول ۴ نتایج آزمون‌های چندمتغیره جهت تعیین معناداری اثر متغیر مستقل (مداخله) را نشان می‌دهد

جدول ۴: آزمون‌های چندمتغیره جهت تعیین معناداری اثر متغیر مستقل						
شاخص آماری اثر	آزمون	ارزش	F	df فرضیه	df خطا	sig
تفاوت گروه‌ها	اثر پیلائی	۰/۸۹	۱۲/۸۲	۸	۱۳	۰/۰۰۱
	لامبدای ویلکس	۰/۱۱	۱۲/۸۲	۸	۱۳	۰/۰۰۱
	اثر هتلینگ	۷/۸۹	۱۲/۸۲	۸	۱۳	۰/۰۰۱
	بزرگترین ریشه روی	۷/۸۹	۱۲/۸۲	۸	۱۳	۰/۰۰۱

$P<0/05$

جدول فوق نتایج چهار آزمون چندمتغیره جهت معناداری اثر متغیر مستقل یعنی گروه را در مدل نشان می‌دهد. F بدست آمده در هر چهار آزمون نشان می‌دهد که تأثیر گروه‌ها در متغیرهای وابسته در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادار است. اندازه اثر نیز نشان می‌دهد سهم گروه (مداخلات) در تبیین واریانس متغیرهای وابسته ۸۹ درصد است. بنابراین، جدول آزمون تأثیرات متغیرهای بین گروهی مطرح می‌شود.

جدول ۵: خلاصه آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها

آثار متغیرهای تحقیق	متغیرهای وابسته	SS	df	MS	F	sig	اندازه اثر
گروه مورد مطالعه	پدر-فرزند	۱/۶۹	۱	۱/۶۹	۱/۸۱	۰/۱۹	۰/۰۸
	آمیزش پدرانه	۵/۳۱	۱	۵/۳۱	۵/۶۲*	۰/۰۳	۰/۲۲
	ارتباط/گفت و شنود	۰/۰۸	۱	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۷۷	۰/۰۰۵
	خشم	۱۳/۶۹	۱	۱۳/۶۹	۱۱/۵۴*	۰/۰۳	۰/۳۷
	مادر-فرزند	۱/۷۰	۱	۱/۷۰	۵/۶۱*	۰/۰۳	۰/۲۲
	آزردگی/سردرگمی نقش	۲۹/۳۰	۱	۲۹/۳۰	۹۲/۰۵*	۰/۰۰۱	۰/۸۲
	هماندسازی	۱/۶۱	۱	۱/۶۱	۳/۲۴	۰/۰۹	۰/۱۴
	ارتباط/گفت و شنود	۳/۹۴	۱	۳/۹۴	۴/۸۴*	۰/۰۴	۰/۲۰

* = $P < 0.05$

با توجه به نتایج آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها و شاخص‌های محاسبه شده (نسبت‌های F و سطوح معناداری آنها) می‌توان نتیجه گرفت که در بین ۸ مؤلفه از روابط والد-فرزند، میانگین‌های نمره‌های دو گروه (آزمایش و کنترل) در ۵ مؤلفه آمیزش پدرانه، خشم، عاطفه مثبت، آزردگی/سردرگمی نقش و ارتباط/گفت و شنود به طور همزمان متفاوت است. با توجه به مقدار اندازه اثر میزان تبیین متغیرهای وابسته توسط گروه (مداخلات) به ترتیب ۲۲، ۳۷، ۲۲، ۸۲ و ۲۰ درصد می‌باشد. با توجه به نتایج آزمون، آموزش به شیوه الگوی تعلیمی در افزایش آمیزش پدرانه، عاطفه مثبت، ارتباط/گفت و شنود و کاهش خشم و آزردگی/سردرگمی نقش شرکت‌کنندگان پژوهش مؤثر بود. جدول ۶ نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر تفکر انتقادی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر تفکر انتقادی

شاخص آماری اثر	آزمون	ارزش	F	df فرضیه	df خطا	sig	اندازه اثر
تفاوت گروه‌ها	اثر پیلای	۰/۷۳	۲۰/۶۸	۳	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۷۳
	لامبدای ویلکس	۰/۲۷	۲۰/۶۸	۳	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۷۳
	اثر هتلینگ	۲/۶۹	۲۰/۶۸	۳	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۷۳

بزرگترین ریشه روی	۲/۶۹	۲۰/۶۸	۳	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۷۳
-------------------	------	-------	---	----	-------	------

با توجه به جدول ۶ نتایج چهار آزمون چندمتغیره جهت معناداری اثر متغیر مستقل یعنی گروه را در مدل نشان می‌دهد. F بدست آمده در هر چهار آزمون نشان می‌دهد که تأثیر گروه‌ها در متغیرهای وابسته در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادار است. اندازه اثر نیز نشان می‌دهد سهم گروه (مداخلات) در تبیین واریانس متغیرهای وابسته ۷۳ درصد است. بنابراین، جدول آزمون تأثیرات متغیرهای بین گروهی مطرح می‌شود.

جدول ۷: خلاصه آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها

آثار متغیرهای تحقیق	متغیرهای وابسته	SS	df	MS	F	sig	اندازه اثر
گروه مورد مطالعه	خلاقیت	۱۱/۹۳	۱	۱۱/۹۳	۴۱/۴۳*	۰/۰۰۱	۰/۶۲
	بالیدگی	۰/۷۵	۱	۰/۷۵	۳/۳۴	۰/۰۸	۰/۱۲
	تعهد	۹/۶۰	۱	۹/۶۰	۳۶/۸۳*	۰/۰۰۱	۰/۵۹

با توجه به نتایج آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها و شاخص‌های محاسبه شده (نسبت‌های F و سطوح معناداری آنها) می‌توان نتیجه گرفت که در بین ابعاد تفکر انتقادی، میانگین‌های نمره‌های دو گروه (آزمایش و کنترل) در ۲ بعد خلاقیت و تعهد به طور همزمان متفاوت است. با توجه به مقدار اندازه اثر میزان تبیین متغیرهای وابسته توسط گروه (مداخلات) به ترتیب ۶۲ و ۵۹ درصد می‌باشد. با توجه به نتایج آزمون، آموزش به شیوه الگوی تعلیمی در افزایش خلاقیت و تعهد نقش شرکت‌کنندگان پژوهش مؤثر بود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد-فرزند با همابندی تفکر انتقادی دانش‌آموزان دختر انجام شد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن بود که آموزش الگوی تعلیمی بر بهبود روابط والد-فرزند مؤثر است. به عبارت دیگر آموزش الگوی تعلیمی باعث بهبود روابط والد-فرزند گروه آزمایش در مقابل گروه کنترل شد. علاوه بر این، این یافته نیز بدست آمد که آموزش الگوی تعلیمی باعث افزایش خلاقیت و تعهد از ابعاد تفکر انتقادی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شده است.

در پژوهش حاضر الگوی تعلیمی که در آن از آموزش مهارت‌های ارتباطی برای بهبود روابط والد-فرزند استفاده شد، توانست بر مؤلفه خشم از ابعاد رابطه پدر فرزند و مؤلفه آزرده‌گی/سردرگمی نقش از ابعاد رابطه مادر فرزند تأثیر گذاشته و باعث کاهش آن شود. این یافته همسو با یافته‌های بیگدلی، صفری و محمدی (۱۳۹۳)، میرزایی

کوتنایی، شاکری‌نیا و اصغری (۱۳۹۴)، عراقی (۱۳۸۷)، موری، دایور، رابین، کینگتون-ویسور و بوس-لافورس (۲۰۱۴) و تریناس، اسونا، اولیور و کابرا (۲۰۱۳) می‌باشد. به باور کوران و داتو (۲۰۱۴؛ نقل در کوک، ۳، ۲۰۱۶) ارتباط مؤثر نوجوان با والدین این امکان را فراهم می‌کند تا وجود تعارض در خانواده به خوبی مدیریت شود. همچنین، با توجه به اینکه رشد کودکان محصول ارتباط و کنش متقابل بین خصوصیات خود و افرادی است که با آنها سروکار دارند (ماسن، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۳؛ نقل در عراقی، ۱۳۸۷)، بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده ازین پژوهش می‌توان گفت که هر چقدر ارتباط والدین با فرزندان بر اساس عطف، مهربانی و احترام متقابل باشد و این روابط به شکل دو سویه باشد و فرزندان هم با استفاده از مهارت‌های ارتباطی بتوانند به درستی ارتباط برقرار کرده و خواسته و نظرات خود را بیان کنند از میزان احساسات خشم و آزرده‌گی نسبت به والدین کاسته می‌شود.

یافته دیگر بدست آمده از این پژوهش این است که الگوی تعلیمی توانست بر مؤلفه‌های آمیزش پدرانه از ابعاد رابطه پدر فرزند و عاطفه مثبت، ارتباط/گفت و شنود از ابعاد رابطه مادر فرزند تأثیر گذاشته و باعث افزایش آن شود. این یافته همسو با یافته‌های خجسته مهر (۲۰۰۹)، ویسکوسیلوا و پراسکو (۲۰۱۲)، رانسان، کانستنتینیو، ایلیس و پوپا (۲۰۱۲) و اصلانی و صانعی (۲۰۰۴) می‌باشد. در واقع، مهارت‌های ارتباطی که در الگوی تعلیمی آموزش داده شد برای ادامه زندگی حیاتی هستند و می‌توانند در برخورد با دیگران مفید باشند. هر گونه کمبودی در این زمینه می‌تواند باعث مشکلات بین فردی شود (هرزون، ۲۰۰۲؛ نقل در شهری، معینی‌کیا، زاهد و نریمانی، ۲۰۱۴). به عقیده رانسان، کانستنتینیو، ایلیس و پوپا (۲۰۱۲)، ارتباط عامل مهمی است که در توسعه کیفیت روابط در تعاملات والدین و فرزندان نقش مهمی ایفا می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌تواند در بهبود الگوهای ارتباطی سازنده و کاهش الگوهای ارتباطی اجتنابی متقابل (خجسته‌مهر، ۲۰۰۹)، حل مسائل بین فردی و افزایش فضای مثبت بین فردی (ویسکوسیلوا و پراسکو، ۲۰۱۲)، و افزایش کارایی خانواده در مقوله‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار

¹ Murray, Dwyer, Rubin, Knighton-Wisor & Booth-LaForce

² Trenas, Osuna, Olivares & Cabrera

³ Cook

⁴ Vyskocilova, & Prasko

⁵ Runcan, Constantineanu, Ielics & Popa

⁶ Herzon

و عملکرد کلی خانواده مؤثر باشد (اصلانی و صانعی، ۲۰۰۴) و نیازهای اولیه و نیاز به امنیت و آرامش را برطرف سازد (کایوند، شفیع آبادی و سودانی، ۲۰۱۰). به هر حال، از آنجاکه ارتباطات غیرکلامی همچون زبان بدن، حرکات چشمی و صورت و لمس کردن می‌توانند تأثیری خاص در ارتباطات بین فردی داشته باشند (هال، کاست و لیبو، ۲۰۰۵)، آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی نیز در این زمینه، مؤثرند و حتی در بهبود حل مسائل مرتبط با تضادهای شخصی و افزایش کیفیت رابطه (بیکی، بیبهوتی، دانا، کارام، آنیتا و میشل، ۲۰۱۳) نیز دخیل‌اند. بنابراین وقتی کیفیت رابطه والد-فرزند بهبود پیدا می‌کند آمیزش پدران افزایش پیدا کرده و از آنجا که نمونه پژوهش دانش‌آموزان دختر بودند و دختران وقت بیشتری را با مادر می‌گذارند در نتیجه بهتر می‌توانند با مادر خود ارتباط مثبتی برقرار کرده و از طرفی احساسات و عواطف مثبتی نسبت به مادر خود داشته باشند

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان دادند با بهبودی که در کیفیت روابط والد فرزند در اثر آموزش الگوی تعلیمی ایجاد شد تفکر انتقادی دانش‌آموزان دختر در ابعاد خلاقیت و تعهد نیز افزایش پیدا کرد. این یافته نیز همسو با یافته بدست آمده در پژوهش نژاگانا و سینگوری ۳ (۲۰۱۷)، شرودت، ویت و مسرسمیت ۴ (۲۰۰۸) می‌باشد. در واقع می‌توان گفت وقتی کیفیت رابطه والد-فرزند افزایش پیدا می‌کند به نحوی که فرزندان بتوانند ارتباط خوبی با والدین خود برقرار کنند و روابط حاکی از پذیرش فرزند، پاسخ‌گو و متعهد بودن به نیازها و ارزش‌های فرزند، استفاده از لحنی مثبت و سرشار از عاطفه و عدم تحقیر، انتقاد صریح و سرزنش کودک و تعاملی با کیفیت و سالم با فرزند بصورت متقابل باشد؛ فضا برای ارتباط و گفت و شنود مؤثر و به دور از احساسات منفی از قبیل خشم و آزدگی / ابهام نقش پدید می‌آید و از آنجا که مطابق با نظر کاکای ۵ (۲۰۰۱) از ویژگی‌های رفتارهای ارتباطاتی تسهیل‌کننده رشد گرایش به تفکر انتقادی، اهل بحث بودن در محیط خانواده (متناظر با بعد جهت‌گیری گفت و شنود الگوهای ارتباطات) و جرأت‌مند بودن در برخورد با مراجع قدرت همچون والدین (در ارتباط با بعد جهت‌گیری همنوایی الگوهای ارتباطات) است. اهل بحث بودن و جرأت‌مندی به فرد کمک می‌کنند تا عقاید شخصی خود را بیان کند و در مقابل اظهاراتی که از نظر منطقی ضعیف هستند، به بحث و گفتگو

¹ Hall, Coats & Lebeau

² Becky, Bibhuti, Dana, Eli Karam, Anita & Michel

³ Njuguna1i & Thinguri

⁴ Schrodtt, Witt & Messersmith

⁵ Kakai

بپردازد. روشن است که اگر فرهنگی نشان دادن این ویژگی‌ها را در ارتباطات والد-فرزندی مطابق با ارزش‌های خود بداند، این ویژگی‌ها منجر به تسهیل رشد گرایش به تفکر انتقادی خواهند شد.

علاوه بر این هوور-دمپسی و سندلر^۱ (۱۹۹۵)، نیز معتقد است امکان گفت و شنود مکرر و راحت و به دور از تحمیل عقاید در بین اعضای خانواده نوعی الگوی بحث و تبادل نظر صحیح را برای فرزندان فراهم می‌کند. و همین مسأله می‌تواند زمینه را برای خلاقیت که همان تمایل فرد برای شناسایی مشکلات با آگاهی از تمایلات و تعصبات خود و دیگران است و تعهد که همان تمایل فرد به خواسته‌های منطقی و میل به درک حقیقت است را فراهم کند. همانطور که نژاگانا و سینگوری (۲۰۱۷) در پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که گفتگوی والدین با فرزندان می‌تواند ظرفیت تفکر انتقادی را در حل مسأله افزایش دهد.

در نهایت بر اساس نتایج بدست آمده و با توجه به تغییر روابط والد - فرزند در دوره نوجوانی و لزوم مسلط بودن به مهارت‌های ارتباطی و نحوه درست ارتباط برقرار کردن می‌توان کارگاه‌های آموزشی در مدارس با حضور هم والدین و هم فرزندان برگزار کرد و به آموزش الگوی تعلیمی توسط متخصصین این حوزه پرداخت تا از این طریق گامی در جهت بهبود هر چه بهتر کیفیت روابط والد - فرزند برداشته شود. در نتیجه با افزایش کیفیت روابط والد-فرزند فضای خانواده برای رشد گرایش به تفکر انتقادی که در جامعه امروزی نیاز همه افراد به خصوص نوجوانان است، آماده می‌شود. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود از جمله اینکه انجام طرح-های پژوهشی در مدارس، همواره با محدودیت‌هایی از قبیل محدودیت‌های زمانی و نیز محدودیت‌های ناشی از برنامه‌های آموزشی مدرسه همراه است که در پژوهش حاضر نیز چنین بود. در پایان با توجه به اینکه در این پژوهش آموزش الگوی تعلیمی تنها بر روی دانش‌آموزان دختر انجام شد، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی آموزش این الگو با والدین هم اجرا شده و همچنین تفاوت‌های جنسیتی نیز لحاظ شود.

منابع

- استیون‌دی، شافرمن. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر تفکر انتقادی، ترجمه و تلخیص پروانه زاهدی‌فر. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۸: ۲۲-۲۸.
- اصلانی، جلیل. (۱۳۹۱). تدوین برنامه تلفیقی روانی-آموزشی و تعیین اثربخشی آن بر درماندگی آموخته شده و مشکلات بین فردی دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری. پایان‌نامه منتشر نشده دکتری تخصصی. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی تربیتی.

¹ Hoover-Dempsey & Sandler

- باباخانی، وحیده و ممی‌پور، مریم. (۱۳۹۰). رابطه میان هوش هیجانی و تفکر انتقادی با ادراک تعاملات اجتماعی در بین دانشجویان. *علوم رفتاری*، ۱۴، ۴: ۶۱-۷۷.
- بهزادی، بهناز و سروقد، سیروس. (۱۳۹۱). بررسی رابطه انعطاف‌پذیری خانواده و سبک‌های هویت با نقش واسطه‌گری گرایش به تفکر انتقادی در دختران نوجوان، *زن و مطالعات خانواده*، ۴، ۱۵: ۶۳-۸۰.
- بیگدلی، ایمان ...؛ صفری، هادی و محمدی، علی جعفر. (۱۳۹۴). اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین با الگوی یادگیری جانشینی بر بهبود روابط مادر-دختر در دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع راهنمایی شهریار. *فصلنامه روانشناسی بالینی*، ۴: ۲۷-۳۵.
- جوادی، محمد جعفر؛ امامی‌پور، سوزان و رضایی کاشی، زهرا. (۱۳۸۸). رابطه بازی‌های رایانه‌ای با پرخاشگری و روابط والد-فرزند در دانش‌آموزان. *تحقیقات روانشناختی*، ۳: ۷۹-۹۰.
- خسروی، مهرنوش. (۱۳۸۲). بررسی نقش رابطه ولی-فرزند بر فرایند فردیت یافتن دختران دبیرستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۱-۸۲. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره و راهنمایی.
- سخت‌آورد، سعیده و عطاری، یوسفعلی. (۱۳۸۹). بررسی اثر بخشی آموزش رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر بهبود روابط ماد - فرزندی در پسران مقطع راهنمایی شهرستان دزفول. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۵، ۱۵: ۳۹-۵۶.
- زاده‌هفت‌تانبیان، عصمت. (۱۳۸۶). مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی (به شیوه مشاوره گروهی با الگوی گوردون) در دو گروه مادران و فرزندان بر روابط والد-فرزندی. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره خانواده.
- عراقی، یحیی. (۱۳۸۷). بررسی کیفیت رابطه والد-فرزندی در دو گروه از دانش‌آموزان پسر پرخاشگر و غیر پرخاشگر. *مطالعات روان‌شناختی*، ۴: ۱۱۳-۱۲۹.
- علیزاده، حمید. (۱۳۸۰). تعامل والدین - فرزند: تحول و آسیب‌شناسی. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۲: ۸۲-۱۰۲.
- کورشنیا، مریم و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان. *مطالعات آموزش و یادگیری (علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز)*، ۱۳۹۰، ۳: ۱۰۳-۱۳۴.
- مرادی، امید و ثنایی‌ذاکر، باقر. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسأله بر تعارضات والد-فرزند، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۵، ۲۰.
- میرزایی کوتنایی، فرشته؛ شاکری‌نیا، ایرج و اصغری، فرهاد. (۱۳۹۴). رابطه تعامل والد-فرزند با سطح رفتارهای پرخاشگرانه دانش‌آموزان. *فصلنامه سلامت روانی کودک*، ۴: ۲۱-۳۴.
- یوسفی، فریده. (۱۳۸۵). رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ۹: ۵-۱۳.

- AlperAy, F., Karakaya, A., & Yilmaz, K. (2015). Relations between selfleadership and critical thinking skills. *Procedia- social and Behavioral sciences*, 207, 29- 41.
- American Philosophical Association. (1990). *Critical thinking: A statement of expert consensus for purposes of educational assessment and instruction. Executive summary*. Facione, P.A. (Project Director) Millbrae, CA: The California Academic press.
- Anyamene, A., Nwokolo, C., & Madegbuna, U. (2015). Effects of psychoeducation technique on examination misconduct tendencies of secondary school students. *European Scientific Journal*, 11, (11), 1857-7881.

- Aslani, K. h., & Sanaee, B. (2004). The role of relation skills on efficiency of family in married students. *Journal of Science and Research in Apply Psychology*. 30, 115-136. [Persian].
- Becky, A., Bibhuti, S., Dana, C., Eli Karam, F. E., Anita, B., & Michel, V. Z. (2013). The impact of the within my reach relationship training on relationship skills and outcomes for low-income individuals, *Journal of Marital and Family Therapy*, 39 (3), 346-357.
- Burnsd, D. (1980). *Feeling Good: the new mood therapy* (New York, Signet).
- Cook, R. M. (2016). *Parent-Adolescent communication and adolescent depression after a partial hospitalization program*, The Graduate Faculty of The University of Akron, PHD.
- Dam. G.T., & Voloman, M. (2004). Critical thinking as a citizenship competence: Teaching strategies. *Learning and Instruction*, 14, 359- 379.
- Facione, P. A. (2011). *Critical thinking: What it is and why it counts (a resource paper)*. Millbrae, CA: California Academic Press.
- Gendline, T. (1978). *Focusing* 2nd edn, (Toronto, Bantam).
- Gordont. (1976). *P.E.T. in Action* (New York, Wyden).
- Hall, J. A., Coats, E. J., & Lebeau, L. S. (2005). Nonverbal behavior and the vertical dimension of social relations: A meta-analysis. *Journal of Psychological Bulletin*, 131(6), 898-924.
- Hambali, I. M., & Gipayana, M. (2016). A cognitive stage-experiential psycho-educational guidance model to enhance the Bhineka Tunggal Ika (Unity in diversity) awareness. *Journal of Social Sciences*, 5 (1) :19-28.
- Harigie, O. H., & Dickson, d. (2004). *Skilled interpersonal communication: Research, theory and practice*. Routledge. New York : USA.
- Hoover-Dempsey, K. V., & Sandler, H. (1995). Parental involvement in children's education: Why does it make a difference? *Teacher College Record*, 97, 310-331.
- Kakai, H. (2001). *The effect of independent and interdependent self-construal on the development of critical thinking dispositions: A quantitative and qualitative study*. Unpublished doctoral dissertation, University of Hawaii, Hawaii, United States. (AAT No.3017402).
- Kayvand, F., Shafiabadi, A., & Sodani, M. (2010). The effectiveness of teaching relation skills on social anxiety in boy's students of Ahvaz. *Journal of Science and Research in Apply Psychology*, 42, 1-24. [Persian].
- Koerner, A. F & Schrod, P. (2014). An Introduction to the Special Issue on Family Communication Patterns Theory. *Journal of Family Communication*, 14, 1-15.
- Kojastehmehr, R. (2009). The effectiveness of relation skills on relation's models and positive feeling to spouse in couples of Ahvaz city. *Journal of Social Study of Women Psychosocial*, 8(1), 81-96. [Persian].
- Losoncyl. (1982). *Think Your Way to Success* (Hollywood, Wiltshire Books).
- Mangena, A., & Chabeli, M. (2005). Strategies to overcome obstacles in the facilitation of critical thinking in nursing education. *Nurse Education Today*, 25, 291- 295.
- Murray, K. W., Dwyer, K. M., Rubin, K. H., Knighton-Wisor, S., & Booth-LaForce, C. (2014). Parent-child relationships, parental psychological control, and aggression: maternal and paternal relationships. *J Youth Adolesc*, 43(8), 73-1361.
- Njuguna1i, L., & Thinguri, R. W. (2017). A critical analysis of the impact of parental nurturance on behavior acquisition among pupils in primary schools in kenya, *European Journal of Education Studies*, 3, 377-386.

- Patterson, R. (1977). *Families* (New York, Research Press).
- Popov, L. M., & Ilesanmi, R.A. (2015). Parent-Child Relationship: Peculiarities and Outcome. *Review of European Studies*, 2015; 7(5), 253.
- Ricketts, J. C. (2003), *The efficacy of leadership development, critical thinking dispositions and student academic performance on the critical thinking skills of selected youth leaders*. a dissertation presented to the graduate school of the University of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy, university of Florida.
- Ricketts, J. C., Rudd, R. (2004). The relationship between critical thinking dispositions and critical thinking skills of selected youth leaders in the national FFA organization. *Journal of Southern Agricultural Education Research*; 54(1), 21-33.
- Runcan, P. L., Constantineanu, C., Ielics, B., & Popa, D. (2012). The role of communication in the parent-child interaction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46: 904-908.
- Schrodt, P., Witt, P. L., & Messersmith, A. S. (2008). A meta-analytical review of family communication patterns and their associations with information processing, behavioral and psychosocial outcomes. *Communication Monographs*, 75(3), 248-269.
- Shahri, M., Moeinikia, M., Zahed, A., & Narimani, M. (2014). Investigation the impact of paint therapy on communication skills of shyness girl students. *Social and Behavioral Sciences*, 128: 327-331.
- Sriarunrasmee, J., Suwannathachote, P., & Dachakupt, P. (2015). Virtual Field Trips with Inquiry learning and Critical thinking process: A Learning Model to enhance student's science learning outcomes. *Procedia- social Behavioral Sciences*, 197: 1721- 1726.
- Tom A. McAdams, T. A., Rijdsdijk, F. V., Narusyte, J., Ganiban, J. M., Reiss, D., Spotts, E., Neiderhiser, J. M., Lichtenstein, P & Eley, T. C (2016). Associations between the parent-child relationship and adolescent self-worth: a genetically informed study of twin parents and their adolescent children. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 1-9.
- Trenas, A. F. R., Osuna, M. J. P., Olivares, R. R., & Cabrera, J. H. (2013). Relationship between Parenting Style and Aggression in a Spanish Children Sample. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 82, 36-529.
- Vyskocilova, J., & Prasko, J. (2012). Social skills training in psychiatry. *Journal of Activities Nervosa Superior Revive*, 54 (4), 159-170.

Effect of Training Educational pattern on Improving Parent-Child Relationship with Subsequent critical thinking

Fariba Farazi¹, Massoumeh Esmaeili², Hossein Eskandari³ & Mohammad Hatami⁴

Abstract

Parents and children in adolescence are established new relationships with each other. This study aims to show how Training Educational pattern have influenced the Improving Parent-Child Relationship with Subsequent critical thinking. In this study quasi-experimental pretest-posttest control group method have been used. Statistical population of all female students in twelfth grade schools in Birjand is intended to achieve main objective of this study. Pattern group is selected by using the cluster sampling multistage method and choosing a typical school randomly in city of Birjand and choosing two majors randomly considering the a school class as a sampling unit and finally samples generated be divided into groups experimental and control groups. Parent-child relationship questionnaire Fine, Morland and Schwebel (1983), and critical thinking Ricketts (2003) have been used to measure these variables. data created were analyzed through Multivariate covariance examination. The result indicates that parent-child relationships are improved by Educational pattern. Also it was demonstrated that relationship improvement due to Educational pattern increased children's critical thinking in aspect of creativity & commitment. It should be noted that according to the results besides the improving parent-child relationships due to educational model training, critical thinking dispositions in children is increased as well.

Keywords: Educational pattern, Parent-Child Relationship, critical thinking

¹ PhD student in Educational Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran: farazi.edupsy@gmail.com

² Associate Professor of Counseling Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding Author): masesmaeily@yahoo.com

³ Associate Professor, Department of Psychology Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran: sknd40@gmail.com

⁴ Associate Professor of Psychology Kharazmi University, Tehran, Iran: hatami513@gmail.com